

استانداردهای ایماندار ۱۱

صدقہ

خادم خدا فیروز خانجانی

کلیسای ایران

بازنگری شده - بهار ۱۳۹۹

خدا به تکاتک شما برکت دهد.

چند لحظه دعا کنیم.

ای خدای قدوس تو را شکر می‌کنیم به خاطر محبتی که نسبت به ما داشتی، زیرا ما را از دنیای تاریک جدا ساخته و نزد خود حاضر نمودی. عطا فرما تا بر اثر شنیدن کلامت، به شناخت بهتری از خواست و اراده‌ی تو دست یابیم. در نام عیسی مسیح. آمین.

در جلسه‌ی پیش درباره‌ی دوست داشتن دشمنان صحبت کردیم. دیدیم که چه محبتی مقبول خداست و چه محبتی می‌تواند از نظر خدا خنثی باشد. همچنین در خصوص اعمالی که نزد خدا بی‌پاداش نیست نیز صحبت کردیم و گفتیم چنانچه تنها به کسانی چون اعضای خانواده‌ی خود، عضو کلیسای خود یا هموطن خود، کمک کنیم کار بزرگی انجام نداده‌ایم زیرا در این صورت به افرادی محبت کرده‌ایم که به طور طبیعی به آنها وابسته‌ایم و در موقع نیاز به آنها احتیاج پیدا می‌کنیم. همچنین یاد گرفتیم زمانی کار ما نزد خدا اجر و پاداش دارد که فراسوی مرزهای کلیسایی و یا دنیایی به دیگران کمک کرده باشیم. و البته که خدا به نیت این اعمال توجه دارد.

یهودیان در گذشته کارهای خود را سبک و سنگین می‌کردند و می‌سنجیدند که چه کارهایی می‌تواند ثواب داشته باشد و چه کارهایی ممکن است ثواب نداشته باشد. آنها با توجه به تعلیماتشان از تورات، متوجه شده بودند که در زندگی یک ایماندار سه اصل باید رعایت می‌شد که در این موعظه به اصل اول خواهیم پرداخت.

در این جلسه متی باب ۶ آیات ۱ تا ۴ را بررسی خواهیم کرد. اکنون آیات را بخوانیم.

زنهار عدالت خود را پیش مردم بجا می‌آورید تا شما را ببینند، والا نزد پدر خود که در آسمان است، اجری ندارید.

پس چون صدقه دهی، پیش خود کَرِنا منواز چنانکه ریاکاران در کنایس و بازارها می‌کنند، تا نزد مردم اکرام یابند. هرآینه به شما می‌گویم اجر خود را یافته‌اند.

بلکه تو چون صدقه دهی، دست چپ تو از آنچه دست راست می‌کند مطلع نشود،

تا صدقه تو در نهان باشد و پدر نهان بین تو، تو را آشکارا اجر خواهد داد.

خداوند این قسمت را با یک هشدار شروع می‌کند و می‌گوید: «زنهار عدالت خود را پیش مردم به جا نیاورید تا شما را ببینند والا نزد پدر خود که در آسمان است، اجری ندارید.» این هشدار از دهان خداوند صادر شده است بنابراین بسیار مهم و جدی است. ما هنگام رانندگی، به علائم هشداردهنده توجه کرده و زمان روبرو شدن با خطر، تغییر مسیر می‌دهیم، به یاد داشته باشیم که اینجا با هشدار خداوند روبرو هستیم! او می‌گوید مبادا عدالت خود را پیش مردم به جا آورید تا شما را ببینند زیرا در این صورت پیش پدر آسمانی هیچ امتیاز و پاداشی ندارید.

جهت ورود به بحث، لازم است ابتدا به تشریح واژه‌ی «عدالت» بپردازیم. می‌دانیم به جای «عدالت» می‌توان از «واجبات» نیز استفاده کرد. در ترجمه هزاره‌ی نو «پارسی» به کار رفته است. کلمه‌ای که مسیح به کار می‌برد، گستره‌ی معنایی وسیعی دارد اما به علت عدم آشنایی مترجمان با رسوم رایج در بین یهودیان زمان مسیح، این واژه به خوبی ترجمه نشده است.

چنانچه عنوان شد یهودیان در عصر مسیح، به سه چیز اهمیت ویژه می‌دادند و هر ایماندار موظف به انجام آنها بود که عبارتند از: صدقه، دعا و روزه. صدقه دادن نشان از ایمان شخص بود، او باید هر روز دعا می‌کرد و همچنین یک یا دو روز در هفته روزه می‌گرفت. در نخستین جماعت مسیحی نیز انجام چنین اعمالی به چشم می‌خورد؛ آنها صدقه می‌دادند و دعا می‌کردند و یک یا دو روز در هفته روزه می‌گرفتند. پس عدالت شامل صدقه دادن، دعا کردن و روزه گرفتن بود. می‌بینیم که آیات ۱ تا ۱۸ همین باب این موضوعات را شامل می‌شود. مسیح

می‌گوید چنانچه این سه مهم برای خدا به جا آورده نشده و برای مردم انجام شود، از نظر خدا ارزشی ندارد. البته خدا مخالف انجام چنین اعمالی در میان جمع نیست بلکه مخالف انجام این کارها برای جلب توجه دیگران است.

یکی از خطراتی که ایماندار را تهدید می‌کند این است که برای جلب توجه دیگران کاری انجام دهد. اگر وقتی را به خواندن کلام اختصاص می‌دهد ممکن است دوست داشته باشد دیگران هم ببینند، چنانچه برای آمدن به جلسه مسافت طولانی را طی می‌کند دوست دارد دیگران هم این مسئله را بدانند. انجام این قبیل کارها درست است ولی نه برای اینکه بقیه با خبر شوند! مسیح هشدار می‌دهد چنانچه به خاطر دیگران و در معرض دید دیگران، عدالت (واجبات) را به جا آورید از نظر خداوند ارزشی ندارد.

خداوند ما در آیه‌ی ۲ می‌گوید: «پس چون صدقه دهی، پیش خود کرّنا منواز چنانکه ریاکاران در کنایس و در بازارها می‌کنند تا نزد مردم اکرام یابند. هرآینه به شما می‌گویم اجر خود را یافته‌اند.» چنانکه اشاره کردیم صدقه دادن اولین چیزی بود که در کنیسه و نیز در کلیسای اولیه به آن اهمیت می‌دادند. لازم به ذکر است به خاطر اهمیت بیش از حد کاتولیک‌ها به این امر، پروتستان‌ها با بی‌اهمیتی از کنار آن گذشتند. و اما در تثنیه ۱۵:۱۱ می‌خوانیم: «چونکه فقیر از زمین معدوم نخواهد شد بنابراین من تو را امر فرموده، می‌گویم البته دست خود را برای برادر مسکین و فقیر خود که در زمین تو باشند، گشاده دار.» در اینجا کلام خداوند از ما خواهش نمی‌کند، به ما پیشنهاد هم نمی‌کند بلکه دستور می‌دهد که باید صدقه داد. این دستور شامل حال کسی می‌شود که به واسطه‌ی ایمانش عادل شمرده شده است. زیرا عادل شمرده‌ی جنبه‌ی درونی دارد ولی دعا کردن، صدقه دادن و بسیاری از کارهای مقدس دیگر در واقع از تجلّیات عدالت ساکن در ماست. پولس تأکید می‌کند که ابراهیم به خدا ایمان آورد و عادل محسوب شد. یعقوب نیز به ما یاد آوری می‌کند که ابراهیم کارهای شایسته‌ی یک ایماندار را انجام می‌داد.

در زبان عبری و آرامی معنی کلمات «صدقه» و «عدالت» که در متی ۶: ۱-۲ به کار رفته، یکی است ولی در زبان یونانی، بین آنها تمایز قائل شده‌اند. در آیه‌ی ۱ «dikaiosune» به معنای «عدالت» و در آیه‌ی ۲ «elemosune» به معنی «کاری که از قلب جاری می‌شود» است. در انجیل متی به زبان یونانی، از کلمه‌ای استفاده شده که بیشتر به جنبه‌ی قلبی و درونی کاری که برای دیگران انجام می‌دهیم، توجه دارد. می‌گوید اگر می‌خواهی کاری قلبی انجام دهی، پیش خود کرّتا منواز چنانکه ریاکاران در کنایس و بازارها انجام می‌دهند تا در نزد مردم اکرام یابند.

گویی در زمان مسیح وقتی یهودیان ثروتمند می‌خواستند به فقیران کمک کنند، خادمان خود را می‌فرستادند تا با شیپور افراد را جمع کنند سپس در کنیسه اعلام می‌کردند که چقدر به مردم کمک کرده‌اند. این تصویری است که در اینجا به کار رفته است. (البته خیلی در این مورد مطمئن نیستم و می‌تواند تنها جنبه‌ی تمثیلی داشته باشد.) هستند کسانی که دوست دارند هنگام صدقه دادن یا کمک کردن به دیگران، همه از کارشان با خبر شوند. اگر به یکی از برادران، دوستان یا همکاران خود قرض دهند، اگر از بیماری عیادت کنند، تمایل دارند همه با خبر باشند تا به این شکل اعتبار اجتماعی خود را بالا ببرند. چنین افرادی چنانچه در کلیسا یا جامعه مشکل کسی را حل نمایند دوست دارند همه بدانند که چند ساعت از وقت خود را به آن شخص اختصاص داده‌اند.

مسیح اصل کمک به دیگران را عنوان می‌کند و ما با تعلیم از خداوند خود، نباید تنها این مهم را به واژه‌ها محدود کنیم بلکه باید این اصل را در زندگی خود پیاده کنیم. ما با انجام اعمال بدون نیت و خواست قلبی، فرمان اول را نقض می‌کنیم زیرا کارها را نه به خاطر خدا بلکه به خاطر اعتبار اجتماعی خود انجام می‌دهیم تا در زمره‌ی خیرین محسوب شویم؛ همچنین به دومین فرمان یعنی «همسایه‌ی خودت را مثل خودت دوست داشته باش» بی‌احترامی می‌کنیم زیرا نیاز و احتیاج او را علنی می‌کنیم. هیچ کس دوست ندارد دیگران از احتیاجات و مشکلاتش

با خبر شوند. همه دوست دارند مشکلات و نیازشان پوشیده بماند. وقتی کسی به ما روی آورده و مشکل و نیاز خود را با ما در میان می‌گذارد، ما با فاش کردن آن، به شکلی آن شخص را بی‌اعتبار می‌کنیم. در واقع با رفتار خود به دیگران می‌فهمانیم که او مشکل داشته و ما آن را حل کرده‌ایم. و این نقض قانون خداست.

در تثنیه خواندیم که خداوند می‌گوید: «دست خود را برای برادرت گشاده دار.» در این آیه کلام خدا به یاد ما می‌آورد که شخص نیازمند زیردست ما نیست بلکه برادر و هممنوع ماست. به راستی با انجام اعمال ریاکارانه، هم نشان می‌دهیم که خداوند را دوست نداریم و هم برادر و هممنوع خود را بی‌آبرو می‌کنیم. در واقع با این کار فقط یک نقش اجتماعی ایفا کرده و زیر یک نقاب، بازیگری می‌کنیم.

کلمه‌ی «Hypokrites» که در این آیه «ریاکار» ترجمه شده به معنی «بازیگر» می‌باشد. در یونان باستان بازیگران با گذاشتن ماسک‌ها و نقاب‌های مختلف، نقش‌های گوناگونی را اجرا می‌کردند. ماسک‌ها یا نقابی‌هایی که چهره‌ی واقعی آنها نبود. فریسیان، کاتبان و حتی بسیاری از افراد مذهبی جامعه‌ی ما نیز با ایفای نقش، به عنوان افراد خیر معرفی می‌شوند. همان‌طور که در پایان نمایش برای بازیگران دست زده می‌شود و آنها تشویق می‌شوند و به این شکل به پاداش کار خود می‌رسند، این‌گونه افراد نیز خوشحال هستند که بین مردم به عنوان افراد خیر به حساب می‌آیند.

خداوند با انجام اعمال خوب در میان مردم مخالفت ندارد زیرا باعث تشویق دیگران می‌شود ولی از آنجایی که انجام بسیاری از کارها توأم با نیّت بد است، نه تنها باعث تشویق دیگران به انجام اعمال خوب نمی‌شود بلکه آنها را به ریاکاری سوق می‌دهد. می‌دانیم که از یک چیز خوب، چیز بد بیرون نمی‌آید و از یک چیز بد هم چیز مثبتی تولید نمی‌شود. این قانون طبیعت است. اگر از روی ریاکاری و جلب توجه دیگران کاری انجام می‌دهم باید به خاطر بیاورم دیگران را به ریاکاری تشویق می‌کنم!

در زبان عبری واژه‌ای که برای «ریاکاری» به کار رفته «حَنَف» (hanef) است و به معنی «کسی که آلوده می‌کند» است. به خاطر همین مسئله مسیح اشاره می‌کند که از خمیرمایه‌ی کاتبان و فریسیان استفاده نکنید که همانا ریاکاری است. خمیرمایه نماد فساد است و بدین ترتیب ریاکار کسی است که محیط را آلوده می‌کند. پس با ریاکاری خود دیگران را هم به این کار دعوت می‌کنیم. این وضعیت تا حد زیادی در مذهب حکمفرماست، مخصوصاً در جوامع مشرق زمین. ممکن است اروپایی‌ها با مسائلی در کتاب مقدس مواجه شوند که برایشان غریب باشد ولی ما با مسائل فرهنگی کتاب مقدس آشنا هستیم. ما در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که این قبیل حرکات صورت می‌پذیرد.

حال ببینیم باید چه کرد و به راستی چه عملی در نظر خداوند ارزشمند است؟ اعمالی چون صدقه دادن، کمک کردن، قرض دادن، اختصاص وقت خود به دیگران از فرامین خداوند هستند زیرا او گفت که دست خود را گشاده دار. مسیح می‌گوید هنگام انجام چنین کارهایی نباید دست چپ تو از آنچه دست راست می‌کند مطلع شود. مسیح از قوی‌ترین تصویر ممکن استفاده می‌کند. تشبیهی که در آیه‌ی ۲ به کار رفته یعنی کرّنا نواختن به معنی همه را مطلع کردن، است در حالی که اینجا صحبت از مطلع نشدن دست چپ از دست راست است. این سخن یعنی هنگام کمک کردن، حتی نزدیک‌ترین افراد به تو نیز نباید از کاری که انجام می‌دهی با خبر باشند. به عنوان مثال گاهی از دست کسی ناراحت می‌شویم و به همسر خود می‌گوییم: «چقدر به او کمک کرده و برایش زحمت کشیدم، چه کارهایی که در حقش نکردم. ببین در عوض با من چه کار کرد؟!» ممکن است خیلی از مسائل را به شکل گسترده با دیگران مطرح نکنیم ولی آن را به نزدیکانمان بگوییم. مثلاً به افراد خانواده‌ی خود بگوییم فلانی مشکل مالی داشت و من دستش را گرفتم!

ایوب با اینکه شخص مثبتی بود اما قبل از ملاقات با خداوند و افتادن در خاک و خاکستر، از خود و کارهایی که انجام داده بود تعریف می‌کرد و هر چه دوستانش محکومش می‌کردند، او

بیشتر کارهایش را اعلام می‌کرد. ما نیز تا وقتی که در حضور خداوند قرار نگرفته باشیم مایل به نمایش هستیم، اما مسیح می‌گوید وقتی دست راستت کاری انجام می‌دهد دست چپ تو از آن با خبر نشود. یعنی حتی نباید این عمل را مداوم به خاطر آوری! زیرا ممکن است یادآوری این قبیل کارها باعث فخر ما شود. چه بسا کارهای خوب خود را در معرض عموم انجام ندهیم ولی در خلوت مغرور شده، بگوییم من امروز کار بزرگی انجام دادم؛ به یک فقیر کمک کردم یا اینکه کارهای نیکی که در طول روز انجام داده‌ایم را بشماریم. اما مسیح چه می‌گوید؟ و دست چپت از عمل دست راستت مطلع نشود. یعنی انجام کارها را برای خودت نیز یادآوری نکن. این امر باعث ایجاد عدالت کاذب شده و یک کمک ریاکارانه محسوب می‌شود پس فراموشش کن. تو از خدا یافته‌ای پس انجام چنین کارهایی وظیفه‌ی توست چون مسیح کار بزرگتری برای تو انجام داد و جانش را فدا کرد. تو نیز فراموش کن که برای دیگران چه کرده‌ای. اگر اطرافیانت از کارهایی که برای دیگران انجام داده‌ای مطلع نشوند، آن وقت پدر نهان‌بین، اعمال تو را می‌بیند و پاداش می‌دهد.

در مزمور ۹۱:۱۱۲ داریم: «بذل نموده، به فقرا بخشیده است، عدالتش تا به ابد پایدار است. شاخ او با عزت افراشته خواهد شد.» در این آیه‌ی شاهد پاداش کسی هستیم که به دیگران کمک می‌کند یعنی عدالت او تا به ابد پایدار خواهد بود و شاخش با عزت افراشته خواهد شد. مطمئناً خدا در این آیه از پاداش صحبت می‌کند. در خصوص این موضوع بحث نمی‌کنیم که انجام این کارها باعث عادل‌شمردگی می‌شود بلکه سخن از این است که انجام چنین اعمالی تجلی همان ایمانی قلبی ماست و همچنین پاداشی که خدا می‌دهد که همانا پایداری ابدی در عدالت است.

کرنیلیوس کسی بود که به خدا ایمان آورد و بلافاصله روح‌القدس را یافت. او زندگی ایمانی قوی‌ای داشت. کلام در توصیف اعمال وی می‌گوید که او به فقرا کمک می‌کرد (اعمال باب ۱۰) اما به خاطر این کمک‌ها خود را انسانی شایسته نمی‌دانست! می‌بینیم که این فرمانده رومی

چقدر با احترام از پطرس استقبال کرد و این نشان از فروتنی او بود و به راستی که این کارها نزد خدا بی پاسخ نمی ماند. در کلام خدا طابیتا (غزال) را نیز می بینیم که پس از مرگ برمی خیزد و زنده می شود. او نیز کسی بود که مرتباً به دیگران کمک می کرد. (اعمال ۹: ۳۶-۴۳). در برخی از کلیساهای پروتستان، سنت کمک به فقرا به خاطر واکنش به مسائل مذهبی فراموش شده ولی ما به یاد می آوریم که این مهم نشان عدالت ساکن در ماست. ما به دو نمونه از ملاقات های خدا با افراد نیکوکار و صادق (کرنیلیوس و طابیتا) اشاره کردیم.

نباید بین ما و خدا یک داد و ستد وجود داشته باشد زیرا زمانی که خدا به قلب ما نگاه می کند و ثمره ی ایمان را می بیند، قطعاً جلال خود را در زندگی ما آشکار خواهد کرد. از همین رو در مزمور ۱۱۲ از یک اصطلاح بسیار قوی استفاده می شود و می گوید عدالت او تا به ابد پایدار است. در کلیسای نخستین اصل کمک کردن برقرار بود. وقتی که پولس می خواست نزد امته ها برود، یعقوب به او چنین گفت: «جز آنکه فقرا را یاد بداریم و خود نیز غیور به کردن این کار بودم.» (غلاطیان ۲: ۱۰) و در دوم تیموتاؤس نیز خداوند بر این اعمال تأکید می کند، پولس مزمور ۹: ۱۱۲ را به یاد می آورد؛ عدالتش تا به ابد پایدار خواهد بود. اینها ثمرات عادل شمرده گی است که باید در زندگی ایماندار وجود داشته باشد. اشتیاق کمک به دیگران باید در قلب ایماندار جای داشته باشد. روح القدس بدون حکمت به موضوعی اشاره نمی کند.

چنانکه دیدیم در زبان یونانی واژه ی «*elemosune*» به معنی کاری است که از قلب برمی آید و به جای واژه ی «ضیقه» (*zidgha*) به کار می رود که در زبان آرامی از آن استفاده شده است. مسیح این کلام را خطاب به یهودیان یا به مسیحیان یهودی الاصل که دوست داشتند دیده شوند، عنوان کرد. این را به عنوان یادآوری می گویم و این اصلی است که باید در کلیسا رعایت شود. من در بررسی این بخش از موعظه ی سر کوه، که ممکن است از نظر بسیاری ساده باشد، به نکات جدیدی پی بردم و کلیسا نیاز دارد به آن توجه داشته باشد. اگر خواهان پیشرفت در ایمان هستیم باید این مسائل را جدی بگیریم.

یکی از واعظان قرن ۱۷ فرانسه به نام بوسوا چنین می‌نویسد: «هر وقت مردم از شما تعریف و تمجید کنند، در واقع هر وقت تعریف و تمجید شنیدید، این کلام خداوند را آویزه‌ی گوش خود کنید که ممکن است به خاطر این کارها هیچ پاداشی نداشته باشید.» پولس می‌گوید اگر بدون محبت، تمام اموال خود را صدقه دهیم از نظر خداوند ارزشی ندارد.

ما با طرز کمک کردن به هموعان، خواهران و برادران خود نشان می‌دهیم که چه چیزی در قلبمان وجود دارد و به دنبال چه هستیم. آیا به دنبال ایفای نقش هستیم؟ آیا می‌خواهیم یک هنرپیشه باشیم؟ در این صورت تعریف‌ها و تمجیدهای دیگران برای ما کافی است. برای یک هنرپیشه نیز همین کفایت می‌کند که مردم تشویقش کنند و پوسترهایش همه جا پخش شود. مسیح به یاد ما می‌آورد که در این صورت چهره‌ی ما بسیار وحشتناک‌تر از بازیگری است که با یک نقاب ظاهر می‌شود. **آیا چهره‌ای که مردم از ما می‌بینند نقاب است یا واقعی است که به واسطه‌ی ملاقات با مسیح تبدیل شده است؟** چیزی که از جانب خدا داده شده و چیزی که از قلب یک انسان تقدیس شده بلند می‌شود، نمی‌تواند بی‌ثمر باشد. پس بهتر است خود را تفتیش کنیم.

چنانکه هنگام عبور از خیابان به چراغ قرمز، و همچنین هنگام رانندگی به دیگر علائم راهنمایی توجه می‌کنیم، باید بر روی این قسمت از کلام نیز تأمل کنیم. باید به خاطر محبت خدا و محبتی که نسبت به هموع خود داریم، به دیگران کمک کنیم در غیر این صورت مطلب عنوان شده در امثال ۶:۲۳-۸ شامل حال ما خواهد بود. همان‌طور که با خوردن غذای شخصی که قلبش با تو نیست، قی می‌کنی کسی که با قلب بد به او کمک می‌شود نیز ضربه خواهد خورد، چون با نیت بد به او کمک شده و این از ثمره‌ای که می‌آورد مشخص خواهد شد.

ممکن است ما امروز یک ماسک بر چهره‌ی خود داشته باشیم ولی روزی همه چیز آشکار خواهد شد و هر امر خوب یا بدی که مخفی باشد، عیان خواهد گردید.

خدا به تکاتک شما برکت دهد.